

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی گسترده ترو مستحکم تر باد همبستگی اکثریت اهالی جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت حکومت اسلامی در ایران

- اعتراض کارگران فضای سبز شهرداری شوش نسبت به کارکردن در هوای آلوده بدون رعایت اصول ایمنی و بهداشت کاروبی خیالی مسئولان نسبت به جان خود و فرزندانشان

- ادامه اعتراضات کارگران اخراجی پالایش گاز هویزه خلیج فارس نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان مبنی بر بازگشت بکار با برپایی تجمع مقابل استانداری خوزستان

- کانون نویسندگان ایران:

اگر چه خشونت بر زنان پدیده ای جهانی است، اما آنچه در ایران رخ می دهد به دلیل پیوند خشونت با قانون، ساختار قدرت و سازوکارهای رسمی سرکوب، ابعادی استثنایی پیدا کرده است.

از همین روست که مبارزه ی زنان در ایران نیز به مبارزه ای تمام عیار علیه حکومت بدل شده است.

- چهارمین روز اعتصاب غذا و داروی پریسا کمالی در اعتراض به ادعای گم شدن پرونده و نبود رسیدگی به وضعیت جسمی خود؛ قطع تماس و انتقال این زندانی سیاسی به قرنطینه زندان یزد

- انتقال کارگر گچ کار محسن پریش به سلول انفرادی

- احضار یونس آزادبر، فعال کارگری در گیلان به زندان

- بلبل گیلان خاموش شد؛ وداع با یکی از ماندگارترین صداها

- جان باختن 2 کارگر در تهران در حادثه فروکش کردن سطح زمین و غرق شدن در گودال مملو از آب و مایعات ناشی از نشت گازوئیل ماشین

- جان باختن یک کارگر در بیرجند زیرتلی از آوار

***اعتراض کارگران فضای سبز شهرداری شوش نسبت به کارکردن در هوای آلوده بدون رعایت اصول ایمنی و بهداشت کاروبی خیالی مسئولان نسبت به جان خود و فرزندانشان**

روپنج شنبه 6 آذر، کارگران فضای سبز شهرداری شوش اعتراضشان را نسبت به کارکردن در هوای آلوده بدون رعایت اصول ایمنی و بهداشت کاروبی خیالی مسئولان، ابراز کردند.

یکی از کارگران خدماتی شهرداری شوش به خبرنگار رسانه ای گفت: کارگران خدماتی و فضای سبز شهرداری ها به دلیل ماهیت خدماتی شغلشان باید همیشه در محل کار خود حضور داشته باشند و به همین دلیل ما کارگران خدماتی و فضای سبز شهرداری شوش حتی در روزهای هشدار و بحرانی آلودگی هوا که عموم مردم تعطیل هستند، مشغول به کار هستیم.

وی افزود: در شرایطی که آلودگی هوا در شهر شوش از کنترل خارج شده است، حداقل وظیفه شهرداری به عنوان کارفرما، تجهیز کارگران با ماسک های فیلتردار است که به طور خاص برای شاغلان فضای باز طراحی شده است.

این کارگر خدماتی شهرداری شوش با بیان اینکه حتی اقدامات بازدارنده ای همچون استفاده از ماسک های تنفسی نمی تواند در درازمدت عوارض ناشی از تنفس هوای آلوده را جبران کند، گفت: چنانچه مسئولان فکری به حال بهبود هوای کشور نکنند، در آینده بخش قابل توجهی از این کارگران یا دچار مرگ زودرس شده یا باید دوران بازنشستگی شان را در مراکز درمانی سپری کنند.

او با اشاره به اینکه در حال حاضر هیچ قانونی برای تغییر شرایط کار کارگران در روزهای آلوده وجود ندارد، افزود: در این شرایطی که آثار آلاینده های محیطی بر سلامت جسم و روان کارگران فضاهای سبز و خدماتی شهری، انکار ناشدنیست، ما کارگران شهرداری شوش، نگران فرزندان دانشجو و دانش آموز خود هستیم که در این روزهایی که شاخص آلودگی هوا به بالاترین حد رسیده همچنان باید در مدارس محل تحصیل خود حاضر شوند.

***ادامه اعتراضات کارگران اخراجی پالایش گاز هویزه خلیج فارس نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان مبنی بر بازگشت بکار با برپایی تجمع مقابل استانداری خوزستان**

روز پنج شنبه 6 آذر، کارگران اخراجی پالایش گاز هویزه خلیج فارس در ادامه اعتراضاتشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان مبنی بر بازگشت بکار +دست به تجمع مقابل استانداری خوزستان در کلانشهر اهواز زدند و خواهان بازگشت بکار شدند.



براساس گزارش منتشره در شبکه های اجتماعی، بدنبال تجمعات اعتراضی خردادماه سال جاری این کارگران، استانداری خزستان دستور بازگشت به کار این 26 کارگر را صادر کرده است اما مدیریت شرکت همچنان مانع ورود آنان به محل کار می شود.

+ادامه تجمع اعتراضی کارگران اخراجی پالایش گاز هویزه خلیج فارس نسبت به وعده های توخالی مسئولان مبنی بر بازگشت بکارمقابل ورودی شرکت

براساس گزارش های منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 16 و 17 خرداد، اعتراض کارگران اخراجی پالایش گاز هویزه خلیج فارس نسبت به وعده های توخالی مسئولان مبنی بر بازگشت بکارکه از روزدوشنبه 5 خرداد+ مقابل ورودی شرکت شروع شده است، کماکان ادامه دارد.



+تجمع اعتراضی کارگران اخراجی پالایش گاز هویزه خلیج فارس نسبت به وعده های توخالی مسئولان مبنی بر بازگشت بکارمقابل ورودی شرکت

روزدوشنبه 5 خرداد، کارگران اخراجی پالایش گاز هویزه خلیج فارس برای انعکاس هرچه بیشترصدای اعتراضشان نسبت به وعده های توخالی مسئولان منجمله استاندارخوزستان مبنی بر بازگشت بکاردست به تجمع مقابل ورودی شرکت، زدند.



کانون نویسندگان ایران:

اگر چه خشونت بر زنان پدیده‌ای جهانی است، اما آنچه در ایران رخ می‌دهد به دلیل پیوند خشونت با قانون، ساختار قدرت و سازوکارهای رسمی سرکوب، ابعادی استثنایی پیدا کرده است.

از همین روست که مبارزه‌ی زنان در ایران نیز به مبارزه‌ای تمام‌عیار علیه حکومت بدل شده است.

روز جهانی منع خشونت بر زنان



کانون نویسندگان ایران

نظر بر خبر

اخبار قتل زنان به دست مردان خانواده، همواره به مضامینی چون سنت و غیرت گره خورده است. اما الگوهای مشابه در فضای عمومی و خیابان از ریشه‌ی ساختاری این خشونت و پیوند آن با روابط قدرت در جامعه خبر می‌دهند. روایاتی که از غیرت، سنت یا تعصب سخن می‌گویند همچون لایه‌ای سطحی، خشونتی عمیق‌تر را پنهان می‌کنند؛ خشونتی نظام‌مند و بی‌صدا که عرف، قوانین و رفتارهای فردی از آن تغذیه می‌کنند.

در چنین بستری تیترهایی مانند «زنی به دست مردان خانواده به قتل رسید» به ندرت به اخبار راه می‌یابند. تنها هنگامی که آمارهای پنهان‌شده در سکوت یا فضای مجازی در کنار خبرهای رسمی قرار می‌گیرند، تصویری هولناک از خشونت شکل می‌گیرد و آشکار می‌شود که ابعاد خشونت بسیار گسترده‌تر از آن است که در ظاهر دیده می‌شود. هزاران دختری که آشکار و پنهان گرفتار پدیده‌ی شوم کودک همسری می‌شوند، در کنار بنرهای نصب شده در سطح شهرها که زنان را در شمایل کارخانه‌ی فرزندآوری تصویر می‌کنند، نشانه‌هایی آشکار و روزمره از بنیان‌های زن‌ستیزانه و تبعیض‌آمیز حکومتی است. بسیاری از خشونت‌های نظام‌مند که در سطوح مختلف و در قالب‌های جنسی، جنسیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بروز می‌کنند، به مدد عادی‌سازی شرایط تحمیل شده به زنان مسکوت می‌مانند. ساعت‌های کار طولانی و نابرابری دستمزد، تحمیل چارچوب‌های جنسیتی، کلیشه‌های حاکم بر رسانه‌ها و نظام آموزشی، تنها نمونه‌هایی از این عادی‌سازی‌اند. این عادی‌سازی متکی به قانونی است که ابتدایی‌ترین حقوق انسانی زنان را سلب می‌کند و آنان را از حق طلاق، ارث برابر، حضانت فرزند، حق تحصیل، اشتغال و بسیاری حقوق دیگر محروم می‌کند و بدین ترتیب خشونتی که در بطن حکومت پرورده شده است، زندگی و سرنوشت زنان را احاطه می‌کند.

گرچه خشونت در همه‌ی لایه‌های پنهان در جریان است، اما قالب‌های آشکار آن، چون پلیس و گشت ارشاد و سایر ابزارهای رسمی سرکوب، نیز تجربه‌ی روزمره‌ی مردم ایران‌اند. قتل مهسا (ژینا) امینی که جنبش آزادی‌خواهانه‌ی مردم را در پی داشت، هنوز در حافظه‌ی جمعی زنده است. قتل او، زخمی بر پیکر جامعه‌ای محتضر بود و سال‌ها خشم و رنج ناشی از ستم و تبعیض را به موجی از همبستگی و اعتراض بدل کرد. بسیاری از زنان بازداشت شده در این جنبش، همچون سایر زنان زندانی سیاسی در دهه‌های پیشین، با شکنجه و تجاوز و آزار جنسی و تهدیدهایی مواجه شدند که ادامه‌ی کنترل و سرکوب سازمان‌یافته‌ی زنان در بیرون از زندان‌ها بود.

اگر چه خشونت بر زنان پدیده‌ای جهانی است، اما آنچه در ایران رخ می‌دهد به دلیل پیوند خشونت با قانون، ساختار قدرت و سازوکارهای رسمی سرکوب، ابعادی استثنایی پیدا کرده است.

از همین روست که مبارزه‌ی زنان در ایران نیز به مبارزه‌ای تمام‌عیار علیه حکومت بدل شده است.

در مقیاس جهانی، سرمایه‌داری نابرابری جنسیتی را به عنوان بخشی از سازوکار بقای خود بازتولید و سازمان‌دهی می‌کند. کنترل بدن، نیروی کار و نقش‌های اجتماعی زنان ابزاری برای انباشت سرمایه است. از همین رو است که «روز جهانی منع خشونت بر زنان» نه یک «یادبود» که یادآور وجود خشونتی ساختاریافته علیه زنان است که یکی از نمونه‌های هولناک آن سرنوشت خواهران میرابال است؛ سه زنی که در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۰ در برابر دیکتاتوری دومینیکن ایستادند و به شکلی فجیع

شکنجه و کشته شدند. اکنون سالمرگ این زنان مبارز به عنوان روز جهانی منع خشونت بر زنان تثبیت شده است. مسیری که خواهران میرابال به آن پیوستند، در شعار «زن، زندگی، آزادی» تجلی یافت و تا امروز در سراسر جهان در مبارزه‌ی زنان به ویژه زنان ایران ادامه یافته است. ایستادگی زنان علیه خشونت، تنها دفاع از حقوق خود نیست، بلکه شرط رهایی جامعه و تحقق انسانی‌ترین آرمان‌های بشریت است.

***چهارمین روزاعتصاب غذا و داروی پریسا کمالی در اعتراض به ادعای گم شدن پرونده و نبود رسیدگی به وضعیت جسمی خود؛ قطع تماس و انتقال این زندانی سیاسی به قرنطینه زندان یزد**

به گزارش کانال ندای زنان ایران، پریسا کمالی، زندانی سیاسی محبوس در زندان یزد، از سوم آذرماه در اعتراض به ادعای گم شدن پرونده و نبود رسیدگی به وضعیت جسمی خود، دست به اعتصاب غذا و دارو زده است. به دنبال این اعتراض، تماس او با خانواده قطع و به قرنطینه منتقل شده است. منابع مطلع از وخامت وضعیت جسمی او به دلیل ابتلا به تیروئید سمی و عدم تحویل دارو خبر می‌دهند.

***انتقال کارگر گچ کار محسن پریش به سلول انفرادی**

بنابه گزارش رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ از صبح روز پنج شنبه 6 آذر؛ ارتباط تلفنی محسن پریش کارگر گچ کار نیز که در زندان مرکزی کرج محبوس است با خانواده اش قطع شده و برخی منابع به خانواده او اعلام کرده اند محسن پریش را امروز به سلول انفرادی منتقل کرده اند.

***احضار یونس آزادبر، فعال کارگری در گیلان به زندان**

شعبه پنجم اجرای احکام دادگاه انقلاب رشت با صدور ابلاغیه‌ای به تاریخ ۴ آذر، یونس آزادبر، فعال کارگری گیلان و از گردانندگان تجمعات اعتراضی یکشنبه‌ها را ملزم کرده است ظرف ده روز خود را برای اجرای حکم حبس معرفی کند.

آزادبر پیش‌تر در شعبه دوم دادگاه انقلاب رشت به ریاست محمدعلی درویش بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۷ ماه و ۱۶ روز و بابت «توهین به رهبری» به ۱۵ ماه و یک روز زندان محکوم شده بود؛ حکمی که در دادگاه تجدیدنظر عیناً تأیید شد. او همچنین با چند پرونده مفتوح دیگر نیز مواجه است.

یونس آزادبر از زندانیان سیاسی دهه شصت محسوب می‌شود و طی چهار دهه گذشته دوره‌های مختلف بازداشت و زندان را تجربه کرده و در مجموع نزدیک به ده سال را در زندان سپری کرده است.

برگرفته از کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

***بلبل گیلان خاموش شد؛ وداع با یکی از ماندگارترین صداها**

ناصرمسعودی، از برجسته‌ترین صداهای موسیقی شمال و چهره‌ای اثرگذار در فرهنگ گیلان، درگذشت. این هنرمند پیشکسوت که برای چند نسل یادآور موسیقی ناب گیلکی و اجرای ظریف آوای گیلکی بود، جایگاهی یگانه و ماندگار در حافظه جمعی مردم شمال داشت.

مسعودی متولد فروردین ۱۳۱۴ در محله صیقلان رشت بود. هرچند در نوجوانی مدتی را در تهران گذراند و نزد استادان برجسته موسیقی ردیف و نغمه‌پردازی را آموخت، اما پیوند عاطفی و هنری‌اش با گیلان هیچ‌گاه گسسته نشد. بازگشت او به زادگاهش و آغاز همکاری با رادیو گیلان در دهه ۳۰، آغاز مسیر حرفه‌ای‌ای بود که بعدها به یکی از چهره‌های شاخص موسیقی شمال بدلش کرد.

با وجود موفقیت‌های گسترده‌اش در عرصه موسیقی دستگاهی، بیشترین تأثیرگذاری مسعودی در گیلکی‌خوانی بود؛ جایی که با اجرای بیش از ۲۵۰ ترانه، بسیاری از قطعات گیلان را به آثاری ماندگار تبدیل کرد. ترانه‌هایی چون بنفشه‌گول، الله‌تی‌تی، گل پامچال و دیگر قطعات اجرا شده توسط او، امروز در زمره نمادهای موسیقی گیلان شناخته می‌شوند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، با اندوهی عمیق، درگذشت این هنرمند برجسته را به جامعه هنری، مردم گیلان و خانواده ایشان تسلیت می‌گوید. صدای ناصر مسعودی، که از دل زیست‌جهان شمال برخاسته و با روح جمعی گیلان در هم تنیده بود، همچنان طنین خواهد داشت. میراث او در ترانه‌ها و نغمه‌هایی که نسل‌های مختلف با آن زیسته‌اند تداوم می‌یابد و پابرجا می‌ماند؛ چرا که «نمی‌میرند آنان که در دل مردم‌شان زنده‌اند.»

***جان باختن 2 کارگر در تهران در حادثه فروکش کردن سطح زمین و غرق شدن در گودال مملواز آب و مایعات ناشی از نشت گازوئیل ماشین**

روز پنج شنبه 6 آذر، 2 کارگر 35 تا 40 ساله حین کار تخریب یا جابه‌جایی نخاله در یک قطعه زمین خصوصی واقع در بزرگراه لشکری (جاده مخصوص) همراه با یک دستگاه کامیون کمپرسی بر اثر فروکش شدن زمین دچار در گودال آب‌انبار یا انبار قدیمی سقوط کردند و در گودال مملواز آب و مایعات ناشی از نشت گازوئیل ماشین غرق شدند و جان باختند.

***جان باختن یک کارگر در بیرجند زیرتلی از آوار**

روز پنج شنبه 6 آذر، یک کارگر 40 ساله حین کار گودبرداری در یک ساختمان نیمه‌کاره واقع در خیابان منتظری بیرجند، استان خراسان جنوبی بر اثر ریزش ساختمان زیر تلی از آوار گرفتار شد و جان خود را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com